

موضوع و کالت تسخیری و مجانی منتفی است

اخیراً طرحی از اداره حقوقی وزارت دادگستری برای اظهار نظر کانون و کلاء درباره وکالت تسخیری فرستاده شده بدین توضیح که در شهرهایی که وکیل بقدر کافی نیست دادگاه حق داشته باشد از بازنشستگان و دبیران و سردفتران و اشخاص معروف و لیسانسیه‌های حقوق برای دفاع از متهمین تعیین کند و اشخاص مزبور مکلف بقبول هستند و الا از پاره‌ای از حقوق اجتماعی محروم خواهند بود.

این مقاله برای بحث در اطراف طرح مزبور نیست ولی موضوع طرح بار دیگر فرصتی بدست میدهد که راجع بیک مسئله اساسی بحث کنیم و آن مسئله این است که در برخورد با مسائل و امور و مشکلات جدید باید اساس فکر را بر این اصل قرارداد که طبق راه‌ها و مسائل جدید و متناسب با زمان موضوعات را حل و چاره جوئی نمودنه بر اساس رویه و طریقه دنیای پنجاه و صد سال قبل که مجازات را ضامن اجراء قوانین میدانستند و در عمل بطلان این فرضیه ثابت شده و توسل بمجازات فقط نتیجه‌اش این است که حل و پیدا کردن راه اصلاح را بتاخیر می‌اندازد.

موضوع وکالت تسخیری منحصر بکشورمان نبوده و نیست. بعد از جنگ اول و دوم بین‌المللی که شرائط زندگی و اوضاع اقتصادی کشورها و مردم مواجه با تحولات و تغییراتی گردید در صدد اصلاح اموری برآمدند که با شرائط و اوضاع جدید متناسب

نمود از جمله در مورد جرائم که همه ساله رو با افزایش است متوجه شدند که ادامه رویه سابق نسبت به تعیین و کیل مدافع بدون حق الزحمه عملی نیست و مثل سایر احتیاجات اجتماعی مردم دولت باید برای دفاع از متهمین بی بضاعت هم فکری کند و این نقیصه را تامین نماید.

در آمریکا تا ۱۹۶۴ وکالت تسخیری وجود داشت ولی حد متوسط هر سال با هر دو سال نوبت بک نفر و کیل مدافع می رسید تا قبل از ۱۹۶۴ و هم اکنون مؤسساتی هستند که با جمع آوری وجوه حق الزحمه و کلاء تسخیری را تامین میکنند در بعضی از ایالات آن کشور و کلاء داد گستری را برای منظور فوق استخدام می کنند از سال ۱۹۶۴ هم دولت حق الزحمه کیل تسخیری را به نسبت پرونده های جنائی و جنحه ای و بادر نظر گرفتن ساءت و مقدار کار طبق تعرفه معینی می پردازد پیش از ۱۹۶۴ وکیل مدافعی از طرف دادگاه برای دفاع از شخصی تعیین شد و محاکمه وقت زیادی از وکیل تا چند هفته گرفت وکیل پس از خاتمه محاکمه از دولت مطالبه حق الزحمه نمود و کاربرد دادگاه کشید دیوان کشور آمریکا حکم داد که درست است دادگاه می تواند وکیل برای متهم تعیین نماید ولی حق الزحمه وکیل بعهده کسی است که او را تعیین نموده و چون وکیل را طبق قانون دادگاه تعیین نموده حق الزحمه آن با دولت است و دولت را در مقابل وکیل برای حق الزحمه متناسب با وقتی که صرف نموده و کاری که انجام داده بود محکوم کرد این نحوه تفکر متناسب با زمان است و بالاخره منتهی بآن شد که حق الزحمه وکیل تسخیری را بر اساس قانون قراردادند و اکنون طبق تعرفه قانونی و متناسب وقتی که صرف شده و کاری که انجام شده دادگاه تعیین مینماید.

در انگلستان حق الزحمه و کلاء تسخیری در امور کیفری و مدنی هر دو بعهده دولت است و از میان و کلائی که داوطلب می شوند دادگاه وکیل تعیین میکند و اشخاصی که بی بضاعت باشند می توانند از وکیل مجانی استفاده کنند و اگر مقداری از حق الزحمه را بتوانند پردازند از طرف دادگاه ملزم پرداخت همان قسمت می شوند.

در کشور ما از چهل سال قبل وکالت تسخیری در قانون پیش بینی شد در آن زمان در تهران يك محكمه جنائی وجود داشت که هر سال یکبار تشکیل می شد آن هم با يك دوره چهل روزه و در صورت احتیاج يك دوره چهل روزه دیگری هم افزوده میشد و مقداری پرونده که از چند تا تجاوز نمی کرد رسیدگی می شد و يك دادگاه جنحه هم وجود داشت بنا بر این قانون وکالت تسخیری در آن زمان متناسب با وضع روز بود و هر وکیل سال یکبار هم تعیین نمیشد.

اما در این سنوات بجای يك محكمه جنائی و يك محكمه جنحه متجاوز از سی دادگاه وجود دارد و بجای چند عدد پرونده چندین هزار پرونده در جریان است و بجای عده ای قلیل متهم ده ها هزار متهم بعنوان مختلف تحت تعیب واقع می شوند پس شرائط و اوضاع فرق کرده و قانون سابق بخودی خود ملغی است زیرا عملی نیست و کیلی که در سابق بیش از يك کار تسخیری نداشته اکنون از بیست تا پنجاه الی صد فقره وکالت تسخیری دارد و برای او انجام این کار غیر مقدور است و در امر غیر مقدور شرعاً و عرفاً و قانوناً تکلیف ساقط است خاصه آنکه در ساعات کار دفتر هم وکیل بدادگاه رای کار تسخیری دعوت میشود.

غالب اوقات آقایان رؤساء دادگاهها بوزارت دادگستری گزارش می دهند که بواسطه عدم حضور و کلاء تسخیری محاکمات بموقع انجام نمیشود و یا آنکه برای وکالت تسخیری در دادگاهها پیشنهاد میکنند عده ای بیشتر وکیل در اختیار دادگاهها گذارده شود اگر فرض کنیم عده و کلاء تسخیری دو برابر شوند باز مشکل حل نخواهد شد زیرا تعداد و میزان جرائم در همه دنیا که ما هم قسمتی از آن هستیم آنچنان در افزایش است که موضوع نه فقط يك مشکل اساسی اجتماعی در دنیا شده بلکه از مهم ترین مسائل اجتماعی دنیا قرار گرفته و در جهات مختلف مشغول تفکر و پیدا کردن راه حل برای آن هستند و ما میخواهیم این مشکل عظیم را باین صورت حل کنیم که وکلاء دادگستری تمام اوقات خود را صرف کارهای تسخیری کنند آن هم مجانی و بلاعوض و ببعضی از وکلاء سالی تا صد پرونده وکالت تسخیری ارجاع شود یا آنکه وقتی

موضوع مورد توجه واقع می شود راه حل چنین پیشنهاد میشود که در جاهائی که وکیل مدافع بقدر کافی نیست از اشخاص غیر وکیل دادگناه دعوت کند اگر دفاع از متهم در دادگاه لازم است باید دید چرا وکیل دادگستری انتخاب میشود وکیل دارای معلوماتی در عرض قاضی و دادستان است و می تواند بداد گناه کمک و راهنمایی کند ولسی دبیر و روزنامه نویس و عضو اداره ثبت و باز نشستگان چه راهنمایی می توانند بقاضی کنند پس در جائی که وکیل نیست دعوت غیر وکیل فقط تشریفات بدون ثمری خواهد بود زیرا در آن موارد خود قاضی رسیدگی میکند و تشریفات هم کوتاه تر می شود و اگر این قبیل اشخاص بجای وکیل تعیین شوند پس احتیاج بقضات راهم میتوان از همان اشخاص رفع نمود و دیگر احتیاجی باستخدام قضات جدید نخواهد بود.

بنابر این در مورد وکالت تسخیری باید فکر مقتضیات و اوضاع و احوال زمان نمود و مقررات موجود را با مقتضیات زمان و اوضاع بین المللی هم تطبیق داد.

این طریقہ موجود وکالت تسخیری با عهود بین المللی هم مغایرت دارد.

اول- اعلامیه حقوق بشر: بموجب ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر هر کسی که کار میکند مستحق حق الزحمه عادلانه و درخور کاری است که انجام می دهد. این اعلامیه بتصویب مقامات قانونگذاری کشورها رسیده و وکالت تسخیری مجانی مخالف آن می باشد و موضوع وکالت تسخیری باید با این اعلامیه تطبیق داده شود.

دوم- مقاله نامه کار اجباری: يك مقاله نامه بين المللی مربوط بکار اجباری در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۳۰ بتصویب رسیده و در سال ۱۹۴۶ توسط مقاله نامه دیگری مورد تجدید نظر واقع شده و مقاله نامه مزبور نیز بتصویب مقامات قانونگذاری ایران رسیده است .

بموجب ماده يك آن کار اجباری بهر عنوانی که باشد باید الغاء شود.

مواد ۲ و ۴ و ۱۴ مقاله نامه مزبور از این قرار است:

ماده ۲- در مورد اجرای مفاد مقاله نامه حاضر اصطلاح کار قهری یا اجباری بکار خدماتی اطلاق می شود که با تهدید بمجازات و بی آنکه شخص ذی نفع بمیل و رضای خاطر

برای انجام آن داوطلب باشد بوی تحمیل گردد.

ماده ۴- مقامات صلاحیت دار نباید اجازه دهند کار اجباری بنفع افراد یا شرکت ها و شخصیت های حقوقی تحمیل شود.

ماده ۱۴- در برابر کار اجباری یا قهری بهر نحو و عنوانی که باشد باید دستمزد نقدی پرداخت شود.

با توجه به مواد مزبور از مقاوله نامه بین المللی و اعلامیه حقوق بشروکالت تسخیری بدون حق الزحمه از طرف مقام ارجاع کننده منتفی است و اقتضا دارد با توجه باوضاع و احوال دنیائی و خاصه با تغییرات و تحولاتی که در کشورها در سال های اخیر بوجود آمده و در نظر گرفتن وضع اقتصادی این تحمیلی کسه در مورد هیچیک از طبقات و صنوف و افراد دیگر این کشور وجود ندارد از وکلاء دادگستری برداشته شود.

نتیجه: با تحمیل و فشار بوکلاء دادگستری بسا اندازه ای که کارهای آنها وکالت تسخیری باشد و وکالت با پاداش کار انفاقی، دفاع از اشخاص بی بضاعت بوسیله وکالت تسخیری مجانی عملی نخواهد شد و برای آنکه عملی شود باید مسئله را از طریق صحیح آن حل نمود یعنی بنحویکه با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مقررات بین المللی که با توجه باینگونه مسائل وضع و تصویب گردیده و اصل عدالت و با توجه بامکانات و با واقع بینی مطابقت کند.

برای اینکه راه های عملی نشان داده شود نویسنده آنچه را که بنظر می رسد اختصاراً برای توجه وزارت دادگستری و دستگاه قضائی در این مقاله تذکر می دهیم:

۱- باید سعی شود از حجم کارهای کیفری کاسته شود و بسیاری از جرائم که فعلاً در صلاحیت دادگاه جنائی است در صلاحیت محاکم جنحه قرار گیرد از قبیل جرائم مربوط برانندگی و مواد مخدره و قاچاق.

۲- انتخاب وکیل برای متهمین امور جنائی بسته بنظر دادگاه باشد و در مواردیکه دادگاه بجهاتی حضور وکیل را لازم بداند باشد در بعضی از جرائم از قبیل قاچاق و مواد مخدره

احتیاجی تعیین وکیل نیست چون بکنواخت است.

۳- در محاکمات جنائی چون منظور از حضور وکیل تذکر مسائل قانونی و دفاع از ادله اتهام است و این منظور بوسیله لایحه از طرف وکیل تأمین می شود لوائج و کلاء پذیرفته شود و الزامی بحضور دادگاه نباشد.

۴- در کشور فرانسه وکالت های تسخیری بکار آموزان وکالت ارجاع میشود زیرا وقت بیشتری دارند و وسیله معروفیت و شناخته شدن آنها میشود و چون هنوز گرفتاری های وکلاء با سابقه را ندارند امکان صرف وقت بیشتری برای آنها هست اقتضا دارد از کار آموزان استفاده شود.

۵- در موردیکه متهمین متعدداًند و بعضی از آنها حاضر نمیشوند تفکیک محاکمه باید حتماً از طرف دادگاهها بعمل آید تا محاکمات تجدید نشوند و وقت دادگاه و وکلاء ضایع نشود.

۶- همانطور که دولت برای تأمین احتیاجات درمانی و بهداشتی و فرهنگی طبیب و معلم استخدام میکند و هزینه آنها را متحمل می شود باید عده ای از وکلاء را برای دفاع در مورد وکالت های تسخیری استخدام کند و حق الزحمه بآنها داده شود.

در آمریکا برای هر کار جنائی ۵۰۰ دلار و جنحه ۳۰۰ دلار حق الزحمه از طرف دولت داده میشود اخیراً برای وکیلی که یک محاکمه طولانی داشت ۱۵۰۰ دلار بوسیله دادگاه حق الزحمه تعیین گردید مقصود از این تذکر آن است که با وجود معلوم بودن در قانون دادگاهها رعایت عدل و انصاف را هم میکنند.

۷- در درجه اول باید از وکلانی که استخدام می شوند و کلاء تسخیری را تعیین نمود و هر گاه تعداد کافی نباشد مثل انگلستان از وکلاء داوطلب عده کافی را تعیین نمود.

۸- بسیاری از وکلاء دادگستری مشاور حقوقی مؤسسات دولتی و شرکت های خصوصی هستند و تمام اوقات یا بر حسب لزوم یا طبق قرارداد در آن مؤسسات حاضر

بوده انجام وظیفه کنند و در دادگاه‌ها کارمندان کماتی ندارند مگر آنکه مربوط به همان مؤسسه باشد ارجاع وکالت‌های تسخیری باینگونه و کلاء مانع انجام وظیفه آنها در مؤسسات مزبور می‌باشد. چهل سال پیش چنین وضعی وجود نداشت و یک وکیل عدلیه در یک اداره دولتی بطور دائم کار نمی‌کرد بنابراین قوانین چهل سال پیش با امروز نمیتواند یکسان باشد و حتماً باید برای مطابقت با شرایط زمان تغییر یابد به همین جهت است که وکالت تسخیری دیگر مورد ندارد یک نفر آزاد است برای کار با دیگری قرار داد به بند و وقتی قرارداد منعقد نمود نمیتوان اجباراً از طریق قانون او را از کارش بازداشت و بکار مجانی گذاشت این چنین قانونی نه فقط طبق مقررات بین‌المللی بلکه طبق احتیاجات زمان منسوخ است و به همین علت است که در همه کشورها وکالت تسخیری مجانی از میان رفته است.

۹- موضوع دیگر قابل توجه این است که وکیل طبق مقررات زمان ما مثل همه صاحبان مشاغل و هر کسی که قدرت کار دارد حق کار دارد و این حق را نمیتوان از او سلب نمود متأسفانه دادگاه‌های جنائی در مرکز و استان‌ها بعد از ظهرها هم و کلاء تسخیری را برای محاکمه دعوت میکنند در صورتی که مردم حق دارند از وکیل مدافع برای مراجعات خود استفاده کنند و بیک نفر باید چند روز معطل بماند تا محاکمه جنائی خاتمه یابد و بوکیل بتواند دسترسی داشته باشد از آن طرف وکیل هم حق دارد و طبق مقررات وکالتی باید در دفتر خود برای خدمات آماده باشد و کار تحمیلی آن هم مجانی بوکیل که او را از کار عادی اش باز دارد با هیچ اصلی مطابقت ندارد و یک تحمیلی است که استثنائاً بوکیل عدلیه می‌شود در صورتیکه بهیچوجه مقصود قانون از وکالت تسخیری چنین چیزی نبوده است.

۱۰- با رویه فعلی آن مقظوری که از وکالت تسخیری است یعنی استفاده از دفاع وکیل از نظر قانون و بحث در ادله تامین نمیشود زیرا پرونده‌های متعدد کیفری وقتی برای مطالعه و دفاع باقی نمیگذارد و مدافعات درآینده بدون ارزش از لحاظ کیفیت خواهد بود همانطور که پرونده‌های زیاد در دادگاه مجال مطالعه بقاضی نخواهد

داد و ارزش آراء داد گاه ها هم از لحاظ کیفیت در صورت کثرت پرونده تنزل خواهد نمود .

در کشورهایی که وکالت تسخیری وجود دارد پاداش وحق الزحمه هم وجود دارد و در مدت سال بیش از يك يا دو مورد يا هر چند سال يك مورد وکالت تسخیری بو کیلی ارجاع نمیشود و ارجاع وکالت تسخیری بو کیلی بدون حد و نصاب و بدون در نظر گرفتن وضع شغلی او و وقت او و سن و مزاج و توانائی او و معیشت او امری است منسوخ و مخالف مقتضیات زمان و حقوق افراد و اقتضا دارد در باره وکلاء دادگستری این نکات رعایت شود. در خاتمه لازم بتذکر می دانم که وکالت تسخیری مجانی اعم است از وکالت های مربوط بسامور کیفری و مدنی و هر دو را باید ملغی دانست .

